ژورنال

شماره ۴۲۳

۱۷ مه ۲۰۲۳ – ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال

بحران نان، بحران معیشت، پاسخ مردم

شهلا دانشفر

"کارآفرین"، اصطلاحی برای عوامفریبی

اصغر کریمی

چرا اعدام؟

منظر دریاکناری

از پلمب و قطع اینترنت تا ...

کیوان جاوید

حاکمیت اردوغان: استمرار فلاکت عمومی

سیاوش آذری

بحران نان، بحران معیشت، پاسخ مردم

شهلا دانشفر

کاهش سهمیه آرد نانوایان خبرساز شده است. موضوع چیست؟ نانوایان طبق گزارشات هر ده روز دغدغه کم شدن سهمیه آرد دارند. از جمله در حالیکه سهمیه آرد به نصف رسیده و پخت بیشتر نان در ساعات مقرر ممکن نیست، در مهرماه گذشته تحت عنوان تخلفات و عدم پخت در ساعات مشخص، سهمیه آرد آنها کم شد. بعلاوه اینکه نانوایان با مشکلات دیگری چون پرداخت جریمه های سنگین، قطعی مکرر دستگاهها و غیره روبرویند و بسیاری از آنها برای ادامه شغل به بن بست رسیده و ناگزیر کارشان را ترک میکنند. بدین ترتیب بحران نان نیز به بحران آب و برق و

هوا اضافه میشود. نه فقط نان گرانتر میشود بلکه برای تهیه آن باید صف کشید.

این داستان نشان آشکار دیگری از فروپاشی اقتصادی حکومت و بن بستش در اداره جامعه است. جمهوری اسلامی که در سراشیبی سقوط قرار دارد، تنها مشغله اش چپاول بیشتر مردم و توسل به ماشین سرکوب و اعدام برای ماندن است.

در برابر چنین وضعیتی جامعه بپاخاسته، و شعار فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی بازتاب خیابانی آنست. مردمی که هشت ماه بی وقفه با فریاد زن زندگی آزادی جنگی بی امان برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی را به پیش میبرند. اما امروز در تداوم انقلاب، یک سوال فوری، راه مقابله موثر با

این وضعیت اسفبار فقر و گرسنگی است. بویژه در جامعه ای که تامین اولیه ترین نیازهای حیاتی با بحران روبرو شده است. روشن است که پاسخ عمل مستقیم خود مردم است. تشکلهایی چون تشکلهای معلمان، بخشهای مختلف کارگری و اجتماعی نقش مهمی دارند و اتحاد مبارزاتی آنها حول خواستهای مشترک سراسری و علیه سرکوبگریهای حکومت کلیدی است.

اتحاد برای پیشبرد کارزار هایی قدرتمند بر سر خواستهای معیشتی از جمله لغو مصوبه مزدی شورایعالی کار و افزایش دستمزدها به بالای سبد هزینه ۲۵ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان از جمله اقدامات اجتماعی برای تنگتر کردن حلقه محاصره علیه حکومت است. به این ترتیب زمینه برای برپایی

اعتراضات پُر جمعیت خیابانی و اعتصابات سراسری فراهم تر شده و انقلاب قدرت میگیرد. بعلاوه با اهرم شوراهای مردمی در تمام محلات و شهرها باید امورات زندگی را از چنگ چپاولگران و سرکوبگران حکومتی بیرون کشید و اعتراضات محلی و سراسری متحدانه ای را شکل داد. از جمله صف های تهیه غذا را به صفهای اعتراض علیه حکومت تبدیل کرد و نیروهای سرکوب را فراری داد و سدی در برابر تعرضات حکومت شد. منشور مطالبات حداقلی منشور مبارزه متحد مردم است و باید حول آن متحد شد.

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

۱۷ مه ۲۰۲۳

"کارآفرین"، اصطلاحی برای عوامفریبی

اصغر کریمی

مدتی است در میان جریانات اپوزیسیون طیف راست از جمهوریخواه تا سلطنت‌طلب، با اصطلاحی به نام کارآفرین روبرو هستیم. این اصطلاح را جمهوری اسلامی که خود را حکومت مستعضفان! مینامید بکار گرفت و اکنون شاهد بکارگیری آن در ادبیات این اپوزیسیون هستیم. مثلا در منشور پنج جریان جمهوریخواه از "همکاری با تشکل‌های کارآفرینان" صحبت‌شده‌است.منظورشان‌تشکل‌های‌سرمایه‌داران است. اینقدر کلمه سرمایه‌دار در فضای مبارزاتی ایران نفرت‌انگیز است که آنرا در زرورق کارآفرین پیچانده‌اند.

در پلاتفرمهای این جریانات دفاع از کارگر کیمیاست. حتی یک سطر از حق کارگر برای آزادی بی‌قید و شرط بیان، اعتراض، تشکل و اعتصاب و یا خواست‌های رفاهی‌اش دیده نمیشود اما از ضرورت تشکل‌های سرمایه‌داران و همکاری با آنها صحبت میکنند. اینها تا مغز استخوان ضد کارگر و طرفدار سرمایه و نظام سرمایه‌داری هستند و همکاری با تشکل‌های سرمایه‌داران، که اسم رمز حکومت سرمایه‌داران است، از طبیعت آنها ناشی میشود. اما بحث من اینجا در مورد کلمه "کارآفرین" است.

ظاهر قضیه این است که سرمایه‌دار، کارخانه یا یک موسسه تولیدی دایر میکند و برای چندصد یا چند هزار کارگر کار می‌آفریند. این یک کلاهبرداری

آشکار است. این سرمایه‌دار نیست که کار ایجاد میکند. این کارگر است که هم ثروت تولید میکند، هم با گسترش وسایل تولید امکان تازه برای کار ایجاد میکند و هم سود استثمارگری به نام سرمایه‌دار ودولتش را تامین میکند. کارگر از طریق فروش نیروی کارش ارزشی بسیار بیشتر از آنچه به‌اسم مزد دریافت میکند، تولید میکند که به تملک کارآفرین! درمیاید و خود از نعماتی که می‌آفریند محروم میشود. اما در ادبیات احزاب بورژوایی، همانند جمهوری اسلامی، تاجی بر سر این طبقه مفتخور گذاشته‌اند و او را به مقام کاذب کارآفرین! ارتقا داده‌اند.

در نظام هایی مانند جمهوری اسلامی کارگر از ساده‌ترین حق اعتراض محروم است. اپوزیسیون‌هایی مانند سلطنت‌طلبان و جمهوریخواهان هم در پلاتفرم‌ها

و منشورهایشان کوچکترین حقی برای کارگر قائل نیستند و اگر به قدرت برسند راهی جز سرکوب کارگر برای تامین منافع طبقه سرمایه‌دار ندارند. بیجهت نیست که از همین الان اعلام میکنند که سپاه وارتش و سایر نیروهای سرکوب را نگهمیدارند یا در بهترین حالت در مورد آن سکوت میکنند. همکاری با تشکل‌های کارآفرینان! و در واقع حفظ حکومت کارآفرینان بدون نیروی سرکوب غیر ممکن است. اما فضای جامعه ایران چنان چپ و آزادیخواهانه است که اینگونه جریانات و اینگونه منشورها را برنمیتابد. دقیقا به همین جهت است که با هر منشوری منتشر میکنند بیشتر منزوی میشوند و از هم وا هم وامیروند.

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

۱۷ مه ۲۰۲۳

چرا اعدام؟

منظر دریاکناری

عفوبین‌الملل: ۷۰ درصد اعدام‌های منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۲۲ در ایران صورت گرفته است.

سئوال کلیدی که ذهن هر انسانی را به خود مشغول می کند این است که چرا توسل به اعدام اینچنین جان سخت، قدیمی و پاپرجا است؟ سئوال دیگر این است که چرا در کشورهای با مجازات اعدام، فقر و فلاکت و جرم و جنایت گسترده تر است؟ اعدام قرار است تضمین کننده چه چیزی در اجتماع باشد؟

یک تبلیغ جاافتاده برای قانونی و مشروع دانستن اعدام، درس عبرت گرفتن زندگان است تا با دیدن عمل قاطع حکومت مراقب رفتار و کردار اجتماعی خود باشند. می گویند اگر قتلی صورت گرفته باشد مجرم باید با اعدام پاسخ بگیرد تا هم عدالت اجرا شود و هم دیگران ببینند که دولت قاطعانه و بی ترحم عمل می کند. در کشورهای اسلام زده مخالفت با لیست بلند بالایی از باورهای ایدئولوژیک سران حکومت که شکل قانونی به خود گرفته اند شامل مجازات اعدام می شود.

این دلایل فقط برای رد گم کردن و پوشاندن صورت مسئله برای اعمال این قتلهای سازمان یافته دولتی است. هیچ جامعه ای با اجرای اعدام، خشونت پرهیز نشده است. نفس اعدام، آنهم در ابعادی که تحت حاکمیت

جمهوری اسلامی جریان دارد، خود بزرگترین نمونه خشونت و ترویج خشونت است. اعدام یک حربه ارعاب است که در دست طبقات ستمگر علیه طبقه و مردمی بکار می رود که سهم شان از زندگی و رفاه و آسایش توسط حاکمان دزدیده شده است.

تا اینجا اعدام علیه مخالفین سیاسی و همه گروه های اقلیت جنسی، قومی، ملی و نژادی بکار گرفته شده تا به دیگران درس عبرتی داده شود که پا از گلیم خود درازتر نکنند. اعدام یک ابزار سرکوب است، درست مثل چماقداران حکومتی، نیروی انتظامی سرکوبگر که به تظاهرات شلیک می کنند، مثل شکنجه گران که با شلاق از زندانی اعتراف می گیرند و دقیقا مثل تحمیل انفرادی های بلند مدت به زندانی سر موضعی.

این وسیله ارعاب و جنایت را می شود از از جمهوری اسلامی و همه دولت های دیگر گرفت. هر اعتراض و هر تجمع و هر فراخوان ما به مقابله با حکومت اسلامی باید یک فریاد بلند علیه اعدام نیز باشد. هم اکنون اعتراضات علیه اعدامها توسط خانواده های محکوم به اعدام در جریان است. در اصفهان همین دو شب قبل مردم با شنیدن خطر اعدام سه جوان اسیر انقلاب جاری شبانه به خیابان ریختند و مانع اعدام آنها شدند. این عمل باید وسیعا باز تکثیر شود. با پیروزی انقلاب ما اعدام برای همیشه ملغا می شود. این فرمان مهم انقلاب زن زندگی آزادی است.

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲

۱۷ مه ۲۰۲۳

از پلمب و قطع اینترنت تا ...

کیوان جاوید

* شهرستان بدره یک هفته پیشتر شاهد تعطیلی مکان اصلی گردشگری خود به نام "تنگه کافَرین" بود. دلیل: "عدم رعایت حجاب اسلامی."

* تخریب شبانه کافه‌های شهرک اکباتان. ماموران شهرداری با هماهنگی پلیس کافه‌های خیابانی کارون، مازو، طهران، دوراک، رادین، خط سیاه، گودار و بنتی در فاز دو شهرک اکباتان به‌طور کامل تخریب کردند.

* کتاب‌فروشی اردیبهشت در رشت به دلیل "عدم رعایت ضوابط و مقررات اماکن عمومی" و "عدم رعایت پوشش نامناسب بانوان" پلمب شد.

* شهر کتاب اصفهان به دستور فرمانده انتظامی

استان اصفهان پلمب شد.

بررسی هر پدیده و اتفاق طبیعی و اجتماعی کار انسان خردمند است. کار انسان را ساخت و فکر بشر با کار و تلاش جمعی و زندگی اجتماعی تکامل یافت، انسانی که برای ادامه زندگی و بهبود شرایط زیستی و مادی تلاش می کند. به این دلیل بررسی اقدامات عمیقا ضد اجتماعی این حکومت ما را به نتایج جالبی می رساند.

همین چند نمونه بازگوکننده یک بحران و بن بست در کارکرد روتین یک حکومت در تقابل با مردم است. راستی در کدام کشور دیگری می توان چنین اقداماتی را سراغ گرفت؟ ایرانِ تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مقام اول جهان را در تقابل با ابتدایی

ترین جلوه های زندگی اجتماعی دارد. اما چرا اینطور است؟ چرا باز بودن کافه های یک شهر مخل آسایش حکومت است؛ چرا با اینترنت این چنین دشمنی می ورزند؟

جواب روشن است. بن بست تمام عیار یک حکومت در برابر مردم. مردم ایران نه در خفا که علنا و مستقیما حکومت را به چالش کشیده اند. هر جلوه ای از حیات اجتماعی و نوع زندگی با بنیادهای فکری، سیاسی و فرهنگی حکومت در تضاد آشکار قرار دارد. این تضاد علنی و تکثیر شونده است. در چنین اوضاع اجتماعی که عمل روزمره یک جامعه مدرن و پیشرو تضاد فرهنگی عمیق با بنیادهای عمیقا ارتجاعی حکومت پیدا کرده است، یک اتفاق دیگر یعنی انقلاب زن زندگی آزادی مزید بر علت شده است تا جمهوری

اسلامی با نفس بقاء و زندگی عادی و روتین جامعه در بیفتد. انقلاب زیر گوش این حکومت با قدرت بر طبل سرنگونی می کوبد. قطع اینترنت، پلمب کردن گسترده اماکن عمومی، حملات شیمیایی به مدارس، خط و نشان کشیدن های بی حاصل علیه زنان بی حجاب و تشدید اعدامها، نه نشانه قدرت این حکومت که از نشاندهنده بن بست و استیصال حکومتی است که امروز یا فردا سرنگون خواهد شد.

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۷ مه ۲۰۲۳

حاکمیت اردوغان: استمرار فلاکت عمومی

سیاوش آذری

انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان ترکیه روز ۱۴ می بصورت همزمان برگزار شد. ائتلاف حاکم علیرغم استفاده از تمامی امکانات دولت، جرم انگاری نیروهای اپوزیسیون، تهدید و ارعاب جامعه و تقلب در انتخابات که یک رکن اساسی استراتژی اردوغان برای پیروزی در بیست سال گذشته بوده است قادر به بدست آوردن اکثریت مطلق در پارلمان نشد. اما مهمتر از آن، انتخابات ریاست جمهوری به دور دوم کشید.

اقشار وسیعی از جامعه، از جمله جوانان، زنان و

نیروهای اجتماعی و سیاسی مترقی امیدوار به شکست اردوغان هستند. اهمیت شکست اردوغان چیست؟

استمرار حکومت اردوغان در ترکیه یعنی:
تشدید فقر و فلاکت برای توده ها، تعمیق شکاف طبقاتی، سقوط هر چه بیشتر حقوقها زیر خط فقر رسمی برای کارگران و بازنشستگان، گسترش بیکاری، عدم امنیت شغلی، عدم برخورداری از مسکن مناسب و بطور کلی عدم وجود شرایط زندگی و معیشت درخور انسان و از دست دادن همین دستاوردهای حداقلی حاصل از مبارزات کارگران و توده مردم؛
تحمیل عقبگرد فرهنگی، اسلامیزه کردن هنر و

آموزش و پرورش، ترویج ارزش های مردسالارانه، تشدید نابرابری میان زن و مرد و تبعیض گسترده علیه رنگین کمانی ها ، سانسور، فرسودگی هر چه بیشتر قوانین مدنی و الغای قوانین مترقی، اختصاص بودجه های کلان به گروه های اسلامی و "سازمان امور دینی"، احیای شبکه های مذهبی و مدارس آموزش قرآن و تحمیق کودکان، تجاوز سیستماتیک به کودکان در مدارس و خوابگاه های اسلامی و گسترش کودک-همسری؛

سرکوب مخالفین و نیروهای اپوزیسیون بویژه نیروهای چپ و مترقی و نهادهای مردمی مدافع حقوق زنان و انسان، استمرار و تشدیدِ تبعیض ملی و قومی بر علیه مردم کرد زبان و مردم منسوب به دیگر اقوام، فشار مضاعف بر سندیکاهای کارگری و

کارمندی، ممنوعیت و سرکوب اعتصابات کارگری و اعتراضات مردمی و دانشجویی، الغای حق آزادی بیان و حق تشکل و اعتراض؛
دخالت گسترده مذهب در امور دولت، حمایت مستمر از تروریزم اسلامی در منطقه و جهان، باندبازی، اقتصاد مافیایی، رشوه و ارتشاء، پولشویی، فساد گسترده در تمامی سطوح دولت و جامعه، عدم وجود آینده ای روشن پیش روی جوانان و تیره گشتن افق سیاسی و اجتماعی. در یک کلام، استمرار حاکمیت اردوغان یعنی تشدید هر چه بیشتر تیره روزی و تحمیل فلاکت و بدبختی به توده های مردم.

شرط لازم هرگونه گشایش سیاسی و اجتماعی در

ترکیه و بهبود شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ساقط شدن اردوغان از قدرت است. اما ترجمه سقوط اردوغان به تحقق آزادی های بی قید و شرط سیاسی و مدنی، ریشه کن کردن فقر و فلاکت و پایان دادن به تیره روزی مردم در گرو برآمد حزب انقلابی است که پرچم یک دنیای بهتر و ایجاد جامعه انسانی را برافرازد.

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲
۱۷ مه ۲۰۲۳

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.
ژورنال جمعه ها منتشر نمی گردد.

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال